اَلتَّمرينُ السّابِعُ: ضَعْ في الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً. قرار بده در جای خالی کلمه ای مناسب.

١ــ قالَ الْإمامُ الْحَسَنُ عليه‌السلام : «... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْـخُلُقُ الْـحَسَنُ.»
(أَنَّ ☐ إنَّ ■ لٰكِنَّ ☐) گفت امام حسن (ع) همانا بهترین حوبی اخلاق نیکوست.

٢ــ سُئِلَ الْمُديرُ: أَ في الْمَدرَسَةِ طالِبٌ؟ فَأَجاب: «... طالِبَ هُنا». پرسیده شد از مدیر: آیا در مدرسه دانش آموزی هست؟ پس جواب داد: هیچ دانش آموزی نیست»
(لِأَنَّ ☐ لا ■ فَإنَّ ☐)

٣ــ حَضَرَ السَّيّاحُ في قاعَةِ الْمَطارِ؛ ... الدَّليلَ لَم يَحْضُرْ. حاضر شدند گردشگران در سالن فرودگاه ؛ ولی راهنما حاضر نشد.
(أَنَّ ☐ لٰكِنَّ ■ لَعَلَّ ☐)

٤ــ تَـمَنّى[1] الْمُزارِعُ: «... الْمَطَرَ يَنزِلُ كَثيـراً!» آرزو داشت کشاورز: «ای کاش باران بسیار ببارد!»
(كَأَنَّ ☐ لِأَنَّ ☐ لَيتَ ■)

٥ــ لِماذا يَبكِي الطِّفلُ؟ - ... جائِـعٌ. برای چه گریه می کند کودک؟ زیرا او گرسنه است.
(أَنَّـهُ ☐ لِأَنَّـهُ ■ لَيتَ ☐)

اَلتَّمرينُ الثّامِنُ: أَكْمِلْ تَرجَمَةَ هٰذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإعرابِـيَّ لِلْكَلِماتِ الَّتي تَحْتَـها خَطٌّ.

حيـنَ يَرَى «الطّائِرُ الذَّكـيُّ» حَيَواناً مُفْتَـرِساً قُربَ عُشِّـه، يَتَظاهَرُ أَمامَـهُ بِـأَنَّ جَناحَـهُ مَكْسورٌ[2]، فَـيَتْبَعُ[3] الْحَيَوانُ الْمُفتَرِسُ هٰذِهِ الْفَريسَةَ[4]، وَ يَبْتَعِدُ عَنِ الْعُشِّ كَثيـراً. وَ عِندَما يَتَأَكَّدُ[5] الطّائِرُ مِنْ خِداعِ[6] الْعَدوِّ وَ ابْتِعادِهِ وَ إنقاذِ حَياةِ فِراخِـهِ، يَطيـرُ بَعْتَـةً.



پرندهٔ باهوش هنگامی‌که جانورِ درنده‌ای را نزدیکِ لانه‌اش می‌بیند، روبه‌رویش وانـمود می‌کند که ...بالش..... شکسته است، در نتیجه جانورِ درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود و وقتی‌که این پرنده از فریبِ دشمن و دور شدنش و نجاتِ زندگیِ جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، ناگهان..... پرواز می‌کند.

١-تَـمَنّىٰ: آرزو داشت «مضارع: يَتَمَـنّىٰ» ٢- مَكسور: شکسته ٣- تَبِعَ: تعقیب کرد
٤- فَريسَة: شکار «جمع: فَرائس» ٥- تَأَكَّدَ: مطمئن شد ٦- خِداع: فریب